



نگاهی به راهکارهای ایالات متحده برای مقابله با برنامه موشکی پیونگ یانگ

چطور باید با کره شمالی کنار آمد



مارک بودن

ترجمه: هادی آذری

۳۰ دقیقه؛ تقریباً این مقدار زمان خواهد برد تا یک موشک بالستیک قاره‌پیمای مجهز به کلاهک هسته‌ای از کره‌شمالی به لس‌آنجلس برسد. از آنجا که پیونگیانگ با تمام توان برای محقق‌کردن این هدف تلاش می‌کند، تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که کیم جونگ اون، پیش از پایان دوره چهارساله ترامپ، به این مهم نائل شود؛ هرچند ترامپ مدتی پیش توییت کرد که «این مسئله اتفاق نخواهد افتاد». با وجود وعده‌های توخالی ترامپ، موضوع او در این مورد فرق چندانی با دیگر رؤسای جمهور ایالات متحده در ۵۰ سال گذشته ندارد. جلوگیری از دستیابی خاندان کیم به سلاح هسته‌ای سال‌ها پیش از آنکه پیونگیانگ اولین بمب هسته‌ای خود را در سال ۲۰۰۶ و دوران دولت بوش پسر آزمایش کند، اولویت آمریکا بوده است. در چهار دهه بعد از ریاست‌جمهوری ریچارد نیکسون، ایالات متحده تلاش کرده از طریق تهدید، انجام رزمایش‌های نظامی، وضع تحریم‌های دیپلماتیک، متوسل‌شدن به چین و اخیراً حمله سایبری، کره‌شمالی را به زانو درآورد؛ تمهیداتی که به نظر چندین کارساز نبوده‌اند.

ترامپ، دشمن موعود

هرچند ترامپ نیز به سهم خود از احتمال انجام حملاتی پیشگیرانه سخن گفته، به نظر او نیز به زودی با همان واقعیت تلخی روبه‌رو خواهد شد که اسلاف او را زمین‌گیر کرد؛ اینکه هیچ گزینه خوبی برای مواجهه با کره‌شمالی وجود ندارد. با این حال ترامپ مشتاقانه همان نقشی را ایفا می‌کند که در اسطوره‌های حزب جمهوری مردم دموکراتیک کره وعده داده شده است. این اسطوره بر دو اصل مبتنی است؛ یکی بودن کره و خاندان کیم، و دیگری، وعده مقابله با یک دشمن خارجی قدرتمند و زورگو. هرچه این تهدید جدی‌تر باشد -که ترامپ در این کار استاد است- روایت خاندان کیم در‌سرت‌تر از آب درمی‌آید. کیم برای جدی‌ترشدن این تهدید، به کلاهک هسته‌ای نیاز دارد و به همین خاطر است که کلاهک هسته‌ای به محور استراتژی دفاعی کره‌شمالی بدل شده است. کیم رهبری بزرگ است؛ وارث پیشینیانی که از کوه پاتنگو با قدرت‌ها و کراماتی اسطوره‌ای و جادویی به زیر آمدند؛ قدرت‌هایی مانند کاریزمای رهبری، بینش سیاسی، دانایی دیپلماتیک و نبوغ نظامی. کیم مانند پدرش، کیم جونگ ایل و پدرزرگش، کیم ایل سونگ، به عنوان مدافع و نگهدار تمامی کراه‌ای‌ها تقدیس شده است؛ کراه‌هایی که خالص‌ترین نژادها محسوب می‌شوند. حتی کره‌جنوبی نیز باید برای این مسئله ممنون کیم باشد زیرا اگر به خاطر او نبود، ایالات متحده مدت‌ها پیش به آنها حمله کرده بود.

با این روایت نژادپرستانه و باور به جایگاه ماورالطبیعی خاندان کیم که یک عنصر هویت‌بخش برای کره‌شمالی محسوب می‌شود، بعید است که کیم کبیر در برابر فشارهای دیپلماتیک سر خم کند. درحال‌حاضر، بهترین گزینه برای مهار برنامه موشکی و هسته‌ای پیونگیانگ، چین است. البته اینکه چین اساساً از اهرم اقتصادی کافی برای تأثیرگذاری بر پیونگیانگ برخوردار باشد، محل تردید است. حتی اگر یکن چنین اهرم فشاری داشته باشد، مشخص نیست که بخواهد از آن استفاده کند یا نه زیرا داشتن همسایه‌ای که برای واشنگتن و سنول دردسر درست کند، گاهی اوقات به نفع بینچین است.

یک راهکار شکست‌خورده

راکشنی آمریکایی‌ها احتمالاً در پرتاب‌های ناموفق موشکی پیونگیانگ در سال‌های اخیر بی‌تأثیر نبوده است. طبق گفته دیوید ای سکر و ویلیام جی. براد از نیویورکتایمز، با اجرای برنامه سایبری پنهان ایالات متحده در سال گذشته، ۸۸ درصد از آزمایش‌های موشک‌های کوتاه‌برد کره‌شمالی به شکست انجامیده است. با توجه به اینکه این موشک‌ها اکثر ا بر فراز دریا منفجر و متلاشی شده‌اند، تشخیص علت شکست آزمایش تقریباً غیرممکن است. البته شکست بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه موشکی است اما درصد بالای خطا از خرابکاری نشان دارد. میزان خطای نرمال از آزمایش‌های موشکی بین پنج تا ۱۰ درصد است. همچنین ممکن است این خرابکاری‌ها منشأ کامپیوتری و سایبری نداشته و به عنوان مثال، می‌تواند از روش‌های قدیمی‌تری مانند ورود قطعات معیوب به زنجیره تأمین برنامه موشکی نشئت بگیرد. اگر در پس این خطاها و شکست‌ها، یک برنامه خرابکارانه از هر نوعی در کار باشد، بدون تردید در بهترین حالت روند کار را کند می‌کند اما قادر به متوقف‌کردن آن نیست. حتی این آزمایش‌های شکست‌خورده نیز پیونگیانگ را به هدفش نزدیک‌تر می‌کند، یعنی داشتن سلاح‌های هسته‌ای که قادر به هدف‌گرفتن آمریکا باشند. رژیم کیم ممکن است شور و فریکار باشد اما احمق نیست. این رژیم مطمئن است تمام دنیا هدفش را می‌داند و از گفتنن نیز ابایی ندارد. جفری لوییس، کارشناس کنترل سلاح از انستیتو مطالعات بین‌المللی میدلبری در این رابطه می‌نویسد:

آزمایش‌های نظامی کره‌شمالی شکلی باقی نمی‌گذارد که پیونگیانگ قصد دارد از سلاح‌های هسته‌ای به شکلی گسترده علیه نیروهای آمریکایی در سراسر ژاپن و کره‌جنوبی برای جلوگیری از حمله پیشگیرانه به این کشور استفاده کند. در واقع، واژه‌ای که دولتمردان کره‌شمالی از آن استفاده می‌کنند، «دفع» است. در واقع آنها امید دارند که با ایجاد ویرانی‌های گسترده و کشتار انبوه در روزهای اولیه نبرد، بتوانند ایالات متحده و کره‌جنوبی را به عقب‌نشینی وادار کنند.

این مسئله جدیدی نیست. این تهدید ۲۰ سال است که به قوت خود

پابرجاست، چوبی جو وال، یک کلنل که از کره‌شمالی فرار کرده، در سال ۱۹۹۷ این‌طور مدعی شد: «در کره‌شمالی همه می‌دانند که کشور دو یا سه کلاهک هسته‌ای، مواد سمی از جمله حدود پنج هزار تن گازهای سمی را تولید و در جایی انبار کرده است. با داشتن این سلاح‌ها، کره‌شمالی قادر خواهد بود خود را در برابر قدرت‌هایی مانند ایالات متحده، روسیه، چین و ژاپن مصون نگه داشته و همچنین دست بالاتری به کره‌شمالی در مذاکرات سیاسی با آن برقدرت‌ها می‌دهد».

تمام گزینه‌های آمریکا

اینکه با کره‌شمالی چه کار باید کرد، مشکلی قدیمی است که از دهه‌ها پیش ادامه دارد. هرچند تبادل آتش در سال ۱۹۵۳ متوقف شد، اما پیونگیانگ اصرار دارد که جنگ کره هیچ‌گاه پایان نیافته است. اتحاد مجدد دو کره یکی از اهداف رسمی خاندان کیم به شمار می‌رود و با بالاگرفتن تنش‌ها در ماه‌های اخیر، بار دیگر استراتژی واشنگتن در قبال پیونگیانگ در مرکز توجه‌ها قرار گرفته است. به نظر می‌رسد ایالات متحده در قبال کره‌شمالی و برنامه هسته‌ای جاه‌طلبانه‌اش، چهار گزینه راهبردی عمده پیش‌روی خود می‌بیند.

(۱) بکسرکردن کار

یک حمله نظامی تمام‌عیار از سوی آمریکا برای نابودکردن انبار سلاح‌های کشتارجمعی، دستگیری رهبر کره‌شمالی و زمین‌گیرکردن ارتش این کشور. این حمله نظامی به نزاع چنددهه‌ای میان کره‌شمالی با آمریکا و کره‌جنوبی و همچنین سلسله کیم، یک بار برای همیشه پایان خواهد داد. یک حمله تمام‌عیار و همه‌جانبه می‌تواند نتیجه‌بخش باشد زیرا ایالات متحده و کره‌جنوبی از توانایی نظامی و تسلیحاتی کافی برای شکست نیروهای نظامی و سرنگون‌کردن رژیم کره‌شمالی برخوردار هستند اما برای موفقیت‌آمیزبودن، این حمله نیازمند گسترده‌ترین بسیج نیروها و تجهیزات در ایالات متحده از زمان جنگ اول کره به بعد خواهد بود؛ چیزی که کمتر آمریکایی‌ای آن را به خاطر دارد. آمار کشتار انسانی در صورت وقوع چنین حمله گسترده‌ای بالا خواهد بود اما امده‌ای بر این باورند تعداد کشته‌شدگان در مقایسه با زمانی که کره‌شمالی به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، به‌مراتب کمتر است. هرچند کره‌شمالی همین حالا هم از یک ارتش یک‌میلیونی، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و چند بمب هسته‌ای برخوردار است، ولی دامنه عملیاتی این کشور منطقه‌ای است. با این اوصاف، شاید سیاست «مشت آهنین» بهترین گزینه برای ترامپ باشد قبل از اینکه قدرت نظامی پیونگیانگ، بردی بین‌المللی پیدا کند.

ولی در منطق ترامپ، هزینه این جنگ تمام‌عیار زمانی موجه و قابل‌قبول است که جنگ در همان سر دنیا باقی بماند و به خاک آمریکا کشیده نشود؛ فکری که خواب را از چشم مردمان کره‌جنوبی و ژاپن خواهد ربود. نکته مهم و کارساز در این راهکار این است که این حمله آنچنان سریع و قاطع باشد که فرصت هرگونه پاسخ و مقابله‌به‌مثلی را از پیونگیانگ بگیرد. اما این یک خیال باطل بیش نیست. وقتی بحث احتمال حمله هسته‌ای مطرح می‌شود، حتی یک درصد خطا هم می‌تواند هزینه‌های بسیار سنگین و عواقب فاجعه‌باری را به دنبال داشته باشد. این مسئله زمانی بفرج‌تر می‌شود که بدانیم اطلاعات دقیقی درباره آذوقه‌های مهمات و محل اختفای سلاح‌های پدیده گسترده‌ای در دست نیست. بنابراین هرگونه خطا در محاسبات می‌تواند میلیون‌ها نفر را در عرض چند ساعت به کام مرگ بکشانند.

در منطق ترامپ، هزینه جنگ تمام‌عیار زمانی موجه و قابل‌قبول است که جنگ در همان سر دنیا باقی بماند و به خاک آمریکا کشیده نشود؛ فکری که خواب را از چشم مردمان کره‌جنوبی و ژاپن خواهد ربود. نکته مهم و کارساز در این راهکار این است که این حمله آنچنان سریع و قاطع باشد که فرصت هرگونه پاسخ و مقابله‌به‌مثلی را از پیونگیانگ بگیرد. اما این یک خیال باطل بیش نیست

(۲) زهره‌چشم‌گرفتن

یک یا چند حمله متوالی نظامی محدود هوایی و دریایی یا با استفاده از نیروهای ویژه. این حملات می‌تواند به شکل چشمگیری به توانایی نظامی و موشکی کره‌شمالی آسیب برسانند، ولی باید آن‌قدر محدود باشد که به چشم یک حمله پیشگیرانه تمام‌عیار دیده نشود. این راه‌حل، کیم را همچنان در قدرت باقی نگه نمی‌دارد ولی او را از سیاست پیگیری ساخت بمب هسته‌ای منصرف خواهد کرد. درواقع این حمله حکم ضرب‌شستی را دارد که به کره‌شمالی نشان می‌دهد ایالات متحده در تصمیم خود برای عدم دستیابی پیونگیانگ به سلاح‌هایی که امکان هدف‌گرفتن آمریکا را داشته باشند، مصمم است. بعد از ناکامی «صبر استراتژیک» دولت اوباما، به‌نظر این گزینه‌ای است که می‌تواند در دستور کار کاخ سفید قرار گیرد. یکی از اهداف مناسب برای این حمله محدود می‌تواند راکتور «بانگ بیان» باشد که پلاتینیوم تولید می‌کند. هرچند احتمال نشت اورانیوم می‌تواند واکنش منفی جامعه بین‌المللی را به دنبال داشته باشد. هدف قراردادن موشک‌اندازها ریسک کمتری دارد اما نیازمند انجام عملیاتی پیچیده‌تر است. در هر صورت، خود انتخاب مکان و هدف حمله باید دقیق و حساب‌شده صورت گیرد زیرا یک اشتباه کوچک می‌تواند یک حمله محدود را جنگی تمام‌عیار جلوه داده و آغازگر یک جنگ ویرانگر در شبه‌جزیره کره باشد زیرا با توجه به ذهنیت منفی کره‌شمالی نسبت به ایالات متحده، هیچ تضمینی وجود ندارد که آنچه از نظر آمریکا یک حمله محدود است، از دید کره‌شمالی هم همین‌طور تفسیر شود. علاوه بر این، با آغاز جنگ کیم به محدودیت‌هایی که من و من



ترامپ به‌واسطه پروتکل‌های جامعه جهانی و جامعه مدنی با آن مواجهند، دست‌به‌گریبان نخواهد بود و این مسئله آزادی عمل بیشتری به او در اعمال خشونت می‌دهد.

حذف

حذف کیم و حلقه نزدیکان داخلی او از طریق ترور و جایگزین‌کردن او با یک رژیم میانه‌روتر به منظور بازکردن دروازه‌های کره‌شمالی به روی جهان. این راه‌حلی است که بیشتر آدم را به یاد فیلم‌های هالیوودی می‌اندازد. البته این دقیقاً همان چیزی است که پیش‌تر در رزمایش مشترک کره‌جنوبی و ایالات متحده نیز تمرین شده بود. مدتی بعد از آن رزمایش، دولت کره‌شمالی از خنثی‌کردن نقشه‌ای از سوی سیا و سرویس اطلاعات ملی کره‌جنوبی برای ترور کیم خبر داد؛ مسئله‌ای که هرچند ایالات متحده و کره‌جنوبی آن را تکذیب کرده‌اند اما بدون تردید گوشه چشمی به آن دارند. البته هرگونه تلاش برای ترور کیم درواقع تخطی از یک سیاست دیرینه آمریکا خواهد بود که ترور رهبران خارجی را ممنوع می‌داند. با این حال، همیشه امکان بازنویسی این قانون وجود دارد. علاوه بر این، هدف قراردادن کیم با توجه به پروتکل‌های امنیتی سخت‌گیرانه و حلقه بسته نزدیکان او، بسیار دشوار خواهد بود. با این حال، حتی در صورت موفقیت این نقشه، هیچ تضمینی برای روی‌کارآمدن یک دولت میانه‌رو در کره‌شمالی وجود ندارد. چه‌بسا که با روی‌کارآمدن یک فرد جدید، بدبینی‌ها نسبت به ایالات متحده و همسایه جنوبی پیونگیانگ بیشتر شده و در نتیجه این کشور به سوی اتخاذ موضعی خصمانه‌تر سوق یابد.

(۴) پذیرش

تلخ‌ترین راه‌حل برای آمریکا؛ پذیرش برنامه هسته‌ای کیم و تلاش برای مهار جاه‌طلبی‌های او. با توجه به اینکه گزینه نظامی کارآمد و توجیه‌پذیری برای مقابله با برنامه موشکی پیونگیانگ وجود ندارد، پذیرش می‌تواند یک گزینه احتمالی باشد زیرا همین حالا هم ایالات متحده برای سال‌های متصادی با کره‌شمالی باوجود تمام سرکشی‌ها و جاه‌طلبی‌هایش کنار آمده است. همین حالا هم کره‌شمالی موشک‌هایی دارد که می‌توانند ژاپن و کره‌جنوبی را هدف قرار دهند اما در ۵۰ سال گذشته هرگز چنین اتفاقی نیفتاده است. به‌نظر جهان دیگر راه‌ورسم کنارآمدن با کره‌شمالی را آموخته است. خود آمریکایی‌ها نیز برای حدود نیم قرن با تهدید بزرگ‌تر و عظیم‌تر کنار آمدند. در طول جنگ سرد، آمریکا همیشه در معرض خطر نابودی کامل از سوی شوروی بود. باید به شوروی، بحران موشکی کوبا را نیز اضافه کرد. تهدید حمله اتمی یک ویژگی جهان مدرن است؛ تهدیدی که ازقضا آمریکایی‌ها امروز کمتر از هر زمانی آن را احساس می‌کنند.

از دیگر سو، گزینه پذیرش می‌تواند زمینه را برای راهبرد خلع سلاح مهیا کند. درواقع ایجاد چارچوبی مبتنی بر انگیزه و مشوق برای اینکه پیونگیانگ را به خلع سلاح قانع کند، همچنان معقول‌ترین راه ممکن است. در سال‌های گذشته، پیونگیانگ در میانه تهدیدها و تشویق‌ها چندین بار تن به تعلیق برنامه هسته‌ای خود داده است. بنابراین بعید نیست که کیم هم تصمیم به چنین کاری بگیرد. همچنین بعید نیست که او خیلی زودتر از آن چیزی که انتظار می‌رود، بمبرد. برای جوان قربه‌ای با عادات غذایی نامناسب، سابقه مشکلات قلبی در خانواده و اوضاع جسمانی نه‌چندان مساعد، مرگ زودرس پدیده چندان غریبی نیست. فراموش نکنیم، در چنین نظامی که همه‌چیز به تصمیم یک فرد بستگی دارد، همه‌چیز می‌تواند یک‌شبه تغییر کند؛ البته اینکه این تغییر در جهت مثبت باشد یا منفی، مسئله‌ای است که فقط زمان آن را مشخص خواهد کرد. مسائل دیگری نیز دست‌به‌دست هم داده تا گزینه پذیرش بیش از هر زمانی معقول به نظر آید. از یک سو، مون جائه این، رئیس‌جمهور جدید کره‌جنوبی، قصد دارد به جای تقابل با پیونگیانگ، مسیر گفت‌وگو و مذاکره را در پیش گیرد و از سوی دیگر، چین هم ابراز تمایل کرده تا فشارها بر کیم را افزایش دهد. با این تفاسیر، به‌نظر راه‌حل پذیرش در شرایط کنونی عقلانی‌ترین راه‌حل ممکن است زیرا زمان می‌تواند امکان گشایش مسیری صالح‌امیز برای خلع سلاح و پایان‌دادن به برنامه موشکی و هسته‌ای کره‌شمالی را باز کند.

بااین‌حال، گزینه پذیرش هم‌زمان می‌تواند انتخاب اشتباهی باشد چراکه دستیابی کره‌شمالی به چنین سلاح‌هایی می‌تواند به عامل برهم‌زننده ثبات در منطقه بدل شده و کره‌جنوبی و ژاپن را نیز به سوی ساخت بمب هسته‌ای سوق دهد. با این تفاسیر، پذیرش برنامه هسته‌ای و موشکی پیونگیانگ به معنی حرکت به سوی جهانی با سلاح‌های اتمی بیشتر خواهد بود که خواهان‌خواه احتمال استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را افزایش می‌دهد. همچنین از یک منظر، گذر زمان می‌تواند به نفع کیم تمام شود. هرآزمایش موشکی فارغ از موفق یا غیرموفقیت‌آمیزبودن، رژیم او را به ساخت سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد نزدیک‌تر می‌کند. البته شاید رسیدن به این خواسته درنهایت امر باعث شود تا کیم به اهدافی معقول‌تر مانند سروسان‌دادن به اقتصاد کره‌شمالی، بازکردن تجارت و تلاش برای پایان‌دادن به انزو، رو یابورد؛ اهدافی که به نوبه خود می‌توانند زمینه خلع سلاح پیونگیانگ را فراهم آورند. شاید دستیابی به سلاح هسته‌ای مورد‌نظر، خیال را در باب تضمین بقایش در قدرت راحت کرده و او فرصت پرداختن به موضوعات تازه‌ای را پیدا کند. در پایان نباید فراموش کرد کیم وارث خانواده‌ای است که برای سه نسل بر کره‌شمالی حکم رانده و هدف اصلی‌اش حفظ بقاست. با توجه به ثروت و قدرتی که کیم جوان برای سال‌های سال در پیش‌روی خود می‌بیند، احتمال اینکه یک روز صبح از خواب بیدار شود و ماشه بمب اتمی را بکشد، به‌نظر چندان زیاد نیست. به‌نظر مشکل کره‌شمالی هیچ راه‌حلی جز گذشت زمان ندارد.

منبع: آنلاتیک

رؤیاهای ترامپ در افغانستان

آنچه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، نسبت به آن تردید دارد، همان ضرورت نیروهای بیشتر آمریکایی در افغانستان است و البته این موضوعی نیست که جای تعجب داشته باشد. ماه گذشته میلادی و پیش از دیدار با کهنه‌سربازان آمریکایی در جنگ افغانستان، ترامپ به خبرنگاران گفت: «ما برای قریب به ۱۷ سال در افغانستان بوده‌ایم و من می‌خواهم این را بفهمم که چرا ما برای این مدت در این کشور بوده‌ایم، چه کاری انجام می‌دهیم و با ایده‌های مربوط به افغانستان چه باید کنیم؟»

ترامپ در پاسخ به سؤالی درباره افزایش تعداد نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت که «در حال بررسی این مسئله هستیم». در ژوئن سال جاری میلادی، ترامپ به پنتاگون این اجازه را داد تا سطح نیروهای آمریکایی را در افغانستان تعیین کند. هنوز، جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا، استقرار سه‌هزار و ۹۰۰ سربازی را که رئیس‌جمهوری مجوز اعزامشان را در ژوئنه به افغانستان صادر کرد، عملی نکرده و احتمالاً این تأخیر به دلیل تردیدهای ترامپ در ادامه روند حضور آمریکا در این کشور جنگ‌زده است. این تردیدی است که باراک اوباما، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا هم با آن دست‌به‌گریبان بود و کمبین انتخاباتی خود را روی آن و پیروزی در جنگ افغانستان بسته بود اما در پایان دوران ریاست‌جمهوری‌اش تنها کاری که توانست انجام دهد، کاهش نیروهای آمریکایی در این کشور آسیایی بود. اما از یک طرف، باراک اوباما ۳۰ هزار نیرو را برای ارتقا و تقویت امنیت در افغانستان و به توصیه مشاوران نظامی اعزام کرد. در سال ۲۰۱۳، ترامپ در توییته نوشت که با برنامه اوباما برای خروج سریع نیروهای آمریکایی از افغانستان موافق است. او

در توییت خود با طرح این سؤال که «چرا باید پول‌های خودمان را همچنان دور بیندازیم؟» پیشنهاد کرد که بهتر است این پول‌ها در هزینه‌های داخلی و در کشور هزینه شوند. بازرس ویژه نظارت بر بازسازی افغانستان موسوم به «سیگار» در گزارش سه‌ماهه خود به کنسره آمریکا در یک سال جاری میلادی آورده است طالبان ۱۱ درصد از ۴۰۷ منطقه افغانستان را تحت‌کنترل یا بر آنها نفوذ دارد. دولت کابل کنترل یا نفوذ حدود ۶۰ درصد از این مناطق را دارد. به‌دست‌گرفتن کنترل ۲۹ درصد از مناطق دیگر در این کشور جنگ‌زده هنوز محل مناقشه است. این ارزیابی براساس داده‌های به‌دست‌آمده از نیروهای آمریکایی و افغان و هیئت ناآود در افغانستان است. طالبان همچنان به راه خود در به‌دست‌آوردن قلمروهای بیشتر در افغانستان ادامه داد و باعث شد تا نیروهای امنیتی افغانستان در ولایت‌های قندهار، قندوز و هلمند شکستی فضاخت‌بار را تجربه کنند. تمامی اینها همان‌طور که «سیگار» گزارش داد، پس از آن صورت گرفت که پنتاگون ۶۷۵ میلیارد دلار در ۱۵ سال در افغانستان هزینه کرد (که این میزان از مجموع ۷۱۴ میلیارد دلاری است که آمریکا در این کشور هزینه کرده است). البته در این گزارش به افزایش تلفات آمریکایی‌ها در این جنگ اشاره نشده که شامل دو سرباز آمریکایی هم می‌شود که در جریان حمله اخیر طالبان به کاروانشان در افغانستان کشته شدند. این مسئله باعث شد تا ترامپ درباره دورنمای افزایش هزینه‌ها و اعزام نیروهای بیشتر به افغانستان دچار تردید شود و این دیدگاهی است که مورد قبول بسیاری از کارشناسانی است که درباره افغانستان کار کرده‌اند.

«لورل میلر»، تحلیلگر مؤسسه رند، که اخیراً رئیس‌دفتر نماینده ویژه در امور افغانستان و پاکستان بوده، می‌گوید: پیروزی ارتش در بازه زمانی قابل‌پیش‌بینی محتمل نیست. واقعا وضعیتی پیچیده است. درباره سیاست‌های افغانستان و شکاف در جامعه این کشور شکایات زیادی مطرح شده است. به هیچ‌یک از آنها بدون اشتراک در اختیارات سیاسی و از طریق روند سازش نمی‌توان به‌درستی پاسخ داد و این رویکرد به ناکجاآباد می‌رود.

یادداشت

اقتصاد اروپا قربانی جنگ قدرت آمریکا

پس از گذشت سال‌ها از پایان جنگ سرد اکنون دوباره شاهد کشمکش‌های روسیه و آمریکا بر سر منافع استراتژیکشان در سطح خاورمیانه و جهان هستیم. روسیه امروز با تکیه بر پتانسیل‌های به‌جامانده از شوروی سابق و با تأثیرگذاری‌اشتن بر معادلات سیاسی و اقتصادی، چه در سطح جهان و چه در سطح خاورمیانه جایگاه خود را تقویت کرده است. اولین تنش‌های جدی بین روسیه و آمریکا در سال ۲۰۱۴ و در جریان الحاق شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه به وجود آمد که بعضی از آن به‌عنوان منازعات ژئوپلیتیکی عصر جدید بین این دو کشور یاد می‌کنند، اما این تنها آغاز تنش‌ها بین این دو کشور نبود.

اختلافات بین این دو کشور در جریانات سوریه به اوج خود رسید؛ به علاوه آنکه در انتخابات اخیر آمریکا نیز مسائلی از قبیل دخالت روس‌ها در انتخابات آمریکا مطرح شد که خشم هر دو طیف جمهوری‌خواه و دموکرات را برانگیخت. بعد از به‌تصویب‌رسیدن با اکثریت قاطع این تحریم‌های جدید در مجلس نمایندگان، سنای آمریکا، برای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری این کشور، راهی جز امضای لایحه جدید باقی نماند. می‌توان گفت که ترامپ در رویارویی بین کاخ سفید و بدنه قانون‌گذار اولین شکست خود را تجربه کرد. فرق عمده‌ای که تحریم‌های این‌بار روسیه با دفعات قبل دارد آن است که این‌بار طرح تحریم‌های روسیه در قالب قانون جامعه‌عمل می‌پوشد؛ در دفعات قبل تحریم‌ها در قالب دستورات رئیس‌جمهور اجرائی می‌شدند که رئیس‌جمهور بعدی، امکان کاهش یا لغو این دستورات را داشت، اما لایحه جدید به صورت قانون درمی‌آید و در نظام سیاسی آمریکا نهادینه می‌شود و قابلیت آن را دارد که در سال‌های آتی تمدید شود و در درازمدت به اقتصاد روسیه خسارت‌هایی را وارد کند.

تحریم‌های کنونی نسبت به تحریم‌های پیشین که کنگره که ماه ژانویه علیه روسیه به تصویب رساند، ملایم‌تر شده‌اند، اما درکل اقداماتی که باعث محدودشدن روسیه در تعاملات اقتصادی می‌شود، بسیار گسترده‌تر از دوره ریاست‌جمهوری «باراک اوباما» است و به‌همین دلیل بسته تحریم‌های کنونی «شدیداللمحن‌ترین» تحریم‌ها از زمان جنگ سرد تا به امروز نام گرفته است.

بسته تحریم‌های جدید آمریکا شامل طرح‌های بازدارنده برای مسائلی از قبیل شبه‌جزیره کریمه و منطقه دونباس اوکراین، جریانات سوریه و مخاطره‌آمیزبودن روسیه برای امنیت سایبری آمریکااست. بنابراین، این بسته جدید علاوه بر تحریم‌های اقتصادی، شامل تحریم‌های نظامی و اطلاعاتی روسیه نیز می‌شود. از طرفی ترامپ تنها رئیس‌جمهور در بین رؤسای‌جمهور ایالات متحده است که با «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه، ارتباط گرم و نزدیکی دارد که بر خلاف سنت روس‌ستیزی در بین سیاست‌مداران آمریکایی است. ازاین‌رو بدنه قانون‌گذار آمریکا علاوه بر فشار بر روسیه قصد فشار آوردن بر ترامپ را نیز دارد و حتی کنگره پا را فراتر گذاشته و به دنبال سازوکاری است که رئیس‌جمهور ایالات متحده نتواند اقدام به لغو تحریم‌ها کند.



اما در این میان واکنش اتحادیه اروپا قابل‌تأمل خواهد بود. با توجه به تصویب با اکثریت قاطع این طرح تحریم‌ها، هم در سننا (۹۸ رأی مثبت) و هم در مجلس نمایندگان (۴۱۹ رأی مثبت) بعید به نظر می‌رسد که هیئت‌ها و لایه‌های اتحادیه اروپا بتوانند تغییراتی در این تحریم‌ها به نفع خود ایجاد کنند زیرا که این قوانین به تصویب رسیده‌اند و امکان الحاق ماده‌ای جدید برای کاهش آثار تحریم بر اقتصاد اروپا بسیار دور از انتظار می‌نماید. ازاین‌رو بروکسل با اقدامات تنبیهی شامل محدودکردن قدرت آمریکا در شرکت‌های اتحادیه اروپا و افزایش تعرفه‌ها برای واردات آمریکا بر شرکت‌های آمریکایی اعمال فشار خواهد کرد. اما درکل آمریکا موضع قدرتمندی در این خصوص دارد زیرا کسب‌وکار آنها به‌جز شرکت‌های بسیار بزرگ نفت و گاز، به اندازه شرکت‌های اروپایی تحت‌تأثیر این اقدامات قرار نخواهند گرفت. اتحادیه اروپا سابقه طولانی آسیب‌پذیری از اثرات فراسرزمینی تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا، داشته و در اکثر آنها نیز مجبور به همراهی متحد خود شده است، اما با توجه به فضای جدید و روابط جدید بین دو متحد قدیمی و شکاف روزافزون در موضوعات مختلف تجاری، امنیتی و زیست‌محیطی، اتحادیه اروپا این‌بار به‌گونه‌ای متفاوت اقدام خواهد کرد.

به نظر می‌رسد این‌بار اتحادیه اروپا فراتر از اقدامات تنبیهی و افزایش تعرفه‌ای رفته و بی‌توجهی به تحریم‌های جدید را با توجه به قوانین بین‌المللی تجاری و سازمان جهانی تجارت در پیش گیرد. روسیه سومین شریک اقتصادی اتحادیه اروپاست و مهم‌ترین چالش پیش‌بینی محتمل این کشورها مباحثی مربوط به انرژی است. می‌توان ادعان کرد که امنیت انرژی بعضی از کشورهای حوزه یورو مستقیماً به روسیه وابسته است. همان‌گونه که ذکر شد، بخشی از تحریم‌های روسیه مربوط به حوزه انرژی این کشور است، این قانون بدون هماهنگی با اتحادیه اروپا به تصویب رسید و این در حالی است که پس از اشغال و انضمام شبه‌جزیره کریمه از سوی روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا بر آن شده که در واردکردن فشار به روسیه شیوه مشترکی را اتخاذ کنند.

بر اساس این تحریم‌های جدید، شرکت‌هایی که در بخش انرژی روسیه سرمایه‌گذاری کنند، مجازات خواهند شد. همچنین از جمله طرح‌هایی که در این زمینه در دست اجراست، طرح بسیار مهمی است که مربوط به احداث خط لوله برای انتقال گاز از روسیه به آلمان آلمان است؛ بر اساس این قانون، شرکت‌های کشورهای ثالث در صورت سرمایه‌گذاری و کمک به بخش انرژی روسیه از امکاناتی در بازار آمریکا محروم خواهند شد. وزیر اقتصاد آلمان قبل از قانونی‌شدن طرح گفته بود که اگر رئیس‌جمهوری آمریکا مصوبه کنگره برای تشدید تحریم روسیه را امضا کند، آلمان واکنش تلافی‌جویانه نسبت به آن را مورد بررسی قرار خواهد داد. این موضوع در سخنان اخیر وزرای خارجه اتریش و آلمان نیز مشهود است و به علاوه آنکه بعضی از صنایع اروپایی‌ها از جمله صنعت خودرو اروپا بازار مهمی را از دست خواهند داد.